

ارزیابی کیفیت زندگی ذهنی - ادراکی در مناطق شهری و تبیین عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی: شهر کنارک

عیسی ابراهیم زاده^۱ - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
اسماعیل رحمانی - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

چکیده

کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه در یک جامعه به کار می‌رود و دارای دو وجه ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است. سنجش کیفیت زندگی در بُعد ذهنی به منظور پایش برنامه‌های توسعه در مناطق شهری از ضرورت‌های اساسی است. از این رو شهر کنارک که در یکی از محروم‌ترین مناطق کشور (جنوب استان سیستان و بلوچستان) از لحاظ بیش‌تر شاخص‌های توسعه‌یافتگی و کیفیت زندگی قرار گرفته است، ضرورت و ارزش این پژوهش را دوچندان می‌نماید؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف ارزیابی کیفیت زندگی ذهنی - ادراکی و تبیین برخی عوامل مؤثر بر آن در شهر نامبرده انجام گرفت. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و اخذ اطلاعات میدانی آن مبتنی بر تکمیل پرسش‌نامه و به روش تصادفی ساده گردآوری گردید. جامعه آماری تحقیق کلیه خانوارهای ساکن در شهر کنارک شامل ۷۹۷۵ خانوار بوده است. نمونه آماری با استفاده از روش کوکران ۳۱۰ نفر محاسبه شد. روایی ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) با بهره‌گیری از دیدگاه افراد متخصص و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ با ضریب ۰/۸۹۸ تأیید شد. یافته‌ها با روش‌های آماری آزمون t تک گروهی، تحلیل واریانس و همبستگی پیرسون، با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی ذهنی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - محیطی کم‌تر از حد متوسط و باارزش میانگین (۲/۸۵) می‌باشد. درعین حال نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که شاخص‌های میزان تحصیلات خانوار، وضعیت شغلی، متوسط مالکیت زمین و کالاهای بادوام در کنار میزان تقدیرگرایی، باکیفیت زندگی ذهنی رابطه معناداری دارند، ولی بین نوع مالکیت مسکن و کیفیت زندگی ذهنی ارتباط زیادی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی ذهنی، شاخص‌های کیفیت زندگی، زندگی شهری، شهر کنارک.

مقدمه

امروزه حدود نیمی از مردم جهان، در شهرها ساکن هستند و انتظار افزایش آن در دهه‌های آینده نیز وجود دارد. در حالت کلی این موضوع را می‌توان ناشی از تلاش مردم برای تأمین و ارضای بهتر نیازهای خود و وجود امکانات مناسب زندگی در شهرها (Royuela & Surinach, 2004:549) و در کل بهبود کیفیت زندگی دانست. کیفیت زندگی مفهومی گسترده است که مواردی چون زندگی خوب، زندگی باارزش، زندگی رضایت‌بخش و زندگی شاد را در برمی‌گیرد (McCrea et al, 2006). این مفهوم تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این رو معانی گوناگونی از دید افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (Epley & Menon, 2007:281). در واقع کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه در یک جامعه به کار می‌رود و دارای دو وجه ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۳). به عبارتی دیگر کیفیت زندگی از جمله مفاهیمی است که ترکیبی از متغیرها از قبیل تغییر در سطح درآمد، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر بر آن تأثیرگذار هستند (Rahman & others, 2003:1). امروزه تقریباً همگان هدف‌نهایی انواع توسعه را افزایش کیفیت زندگی می‌دانند (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰) و بهبود آن را هدف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها به حساب می‌آورند؛ چراکه با توسعه برنامه‌ریزی مکانی، میزان رضایت از کیفیت زندگی در فضاهای برنامه‌ریزی‌شده از اهداف اولیه اصلی به شمار می‌رود؛ بنابراین اندیشمندان برنامه‌ریزی نیز اعتقاد دارند که برنامه‌ریزی‌ها باید همسو با بهبود کیفیت زندگی باشند (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۳). همچنین امروزه اغلب صاحب‌نظران هدف مشترک توسعه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی را بهبود کیفیت زندگی می‌دانند و بر این باورند که آینده بشر متکی بر درک بهتر عواملی خواهد بود که بر کیفیت زندگی انسان تأثیرگذار هستند (غفاری و اونق، ۱۳۸۵: ۱۶۰). از آنجایی که نقطه شروع توسعه اجتماعات انسانی، شکل گرفتن درک درستی از نیازهای مردم و پس از آن پایش دستاوردهای توسعه است، سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی (کیفیت زندگی ذهنی) ابزار مناسبی برای چنین درکی عرضه می‌کند؛ زیرا مطالعات کیفیت زندگی (ذهنی) راهی بین مسئولان و شهروندان برای تعاملی سازنده که منجر به تفسیر و بحث در مورد موضوعات کلیدی مؤثر بر زندگی مردم می‌شود، باز می‌کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰). استان سیستان و بلوچستان از لحاظ سایر شاخص‌های توسعه و کیفیت زندگی اغلب محروم‌ترین و گاه یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌آید. این موضوع در بسیاری از تحقیقات از جمله تحقیق شیخ بیگلو، تقوایی و وارثی (۱۳۹۱)، قاسمی اردهایی (۱۳۸۷)، ضرابی و شیخ بیگلو (۱۳۹۰)، مولایی (۱۳۸۶) و تحقیق طراز کار و زیبایی (۱۳۸۳)؛ مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (راستی و جهان تیغ، ۱۳۹۳: ۷۶۱). در این راستا شهرستان کنارک بر اساس نتایج تحقیق رحمتی و همکاران (۱۳۸۹) و ابراهیم‌زاده و رئیس پور (۱۳۹۰) در زمره شهرستان‌های توسعه‌نیافته و طبق نتایج تحقیق زیاری و همکاران (۱۳۹۲) در زمره مناطق دارای مهاجرت ناشی از تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار دانسته شده است. به تبع آن شهر کنارک که از جمله شهرهای کوچک ساحلی و بندری است و از قابلیت‌ها و فرصت‌های عدیده‌ای در راستای توسعه‌یافتگی برخوردار است، هنوز از نظر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه اشتغال و درآمد، سواد، زیرساخت‌های آموزشی، درمانی و فراغتی و نیز توزیع فضایی و کیفیت خدمات شهری با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. به‌گونه‌ای که شواهد اولیه حاکی از فقدان رضایت مطلوب ساکنان محلی از زندگی و معیشت شهری در شهر کنارک و تأثیرپذیری آن

1. Qualitative and quantitative

2. Satisfaction

از عوامل متعدد اقتصادی- اجتماعی و خصوصیات جمعیت شناختی است. از این رو پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی- تحلیلی مبتنی بر پیمایش و تحلیل‌های آماری درصدد سنجش کیفیت زندگی شهری در بُعد ذهنی و تبیین عوامل مؤثر بر آن در شهر کنارک واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان است؛ بنابراین جهت دستیابی به هدف مذکور سؤال‌های اساسی زیر مطرح می‌باشند:

- ❖ کیفیت زندگی خانوارهای شهری (شهر کنارک) در چه سطحی قرار دارد؟
- ❖ آیا عوامل جمعیت شناختی و فرهنگی (تحصیلات و شغل سرپرست خانوار، تقدیرگرایی) بر کیفیت زندگی ذهنی تأثیرگذار است؟
- ❖ آیا بین پایگاه اقتصادی خانوارهای شهری (نوع مالکیت مسکن، مالکیت زمین و کالاهای بادوام) و کیفیت زندگی ذهنی رابطه وجود دارد؟

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است که به برخی موارد مرتبط و مهم اشاره می‌شود: لی و ونگ^(۲۰۰۷) با استفاده از شاخص‌های عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیانا پلیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارائه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش‌ازدور برای ارزیابی کیفیت زندگی در GIS در درون چارچوب شهر ایندیانا پلیس بود. برای استخراج فاکتورهای غیرهمبسته کیفیت زندگی از تحلیل عاملی استفاده شده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی بر اساس وزن دهی فاکتورها با استفاده از امتیازات به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی ایجاد شده است. داس^(۲۰۰۸) چارچوب مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی شهری پیشنهاد کرده که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل رویکردی پایین به بالا را پیشنهاد می‌کند که در آن هر دو شاخص‌های عینی و ذهنی برای مطالعه کیفیت کلی زندگی موردتوجه قرار گرفته‌اند. لطفی^(۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری» به این نتیجه رسید که مناسب‌ترین راه برای سنجش کیفیت زندگی شهری و استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های شهری، استفاده هم‌زمان و پیوسته از شاخص‌های عینی و ذهنی در سنجش کیفیت زندگی شهری می‌باشد. درواقع می‌بایست سیستمی طراحی شود که به‌طور مداوم بر میزان کیفیت زندگی شهری با استفاده از هر دودسته شاخص نظارت کرده و نتایج را هم‌زمان در اختیار برنامه‌ریزان شهری و تصمیم‌گیران قرار دهد. یافته‌های قربانی و تیموری^(۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر نقش پارک‌های شهری در ارتقای کیفیت زندگی شهری با استفاده از الگوی Seeking-Escaping»، حاکی است که شهروندان تیریزی بیش‌تر به‌منظور دسترسی به هوای سالم، تفریح خانوادگی، کسب نشاط و دوری از آلودگی‌ها و تنگی محیط مسکونی، پیاده‌روی، رفع خستگی و گریز از یکنواختی زندگی به پارک‌های شهری روی می‌آورند. رهنمایی و همکاران^(۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل کیفیت زندگی در بافت فرسوده میاندوآب» به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص فضای سبز با امتیاز ۰/۴۷۷ و اختلاف چشمگیری نسبت به بقیه شاخص‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بود. در کل میانگین هریک از عامل‌ها محاسبه شده است که عامل خدمات و تسهیلات شهری با امتیاز ۰/۱۳۸ در رتبه اول قرار گرفت که نشان‌دهنده عدم رضایت ساکنین بافت فرسوده از این شاخص می‌باشد که در برنامه‌ریزی‌های آینده باید به آن توجه زیادی شود.

پوراحمد و همکاران^(۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW» نشان می‌دهد که ساکنان محله‌های شهری باوجودی که می‌توانند دارای استانداردهای بالایی از کیفیت زندگی عینی باشند، اما بازهم از زندگی خود حس رضایت‌مندی نداشته باشند و در مقابل، محله‌های فقیرنشین ممکن است که از زندگی خود راضی باشند. درمجموع می‌توان گفت در بسیاری موارد، کیفیت‌های مربوط به محیط ساخته شده و سایر ابعاد کیفیت عینی

زندگی بر حس رضایت‌مندی افراد تأثیر دارد. نتایج پژوهش اجزا شکوهی و همکاران (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت زندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی پنج‌تن آل عبا (التیمور مشهد)» بیانگر آن است که بین سابقه سکونت و ارتقای کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، تفاوت معناداری در میزان رضایت‌مندی نسل اول و دوم ساکن در این منطقه دیده نمی‌شود. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که به ترتیب شاخص‌های کالبدی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، دارای بالاترین میزان همبستگی نسبت به کیفیت زندگی شهری هستند. مرصوصی و لاجوردی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی شهری در ایران» دریافته‌اند که کیفیت زندگی شهری در شهرهای مرکزی و شمال کشور در تمامی بخش‌ها بهتر از سایر شهرهای کشور می‌باشد. بیش‌تر این شهرها در دایره‌ای فرضی که از اصفهان شروع می‌شود و پس از گذشتن از تهران، قزوین و سمنان، شهرهای ساری، گرگان و رشت را در برمی‌گیرد، قرار دارند. شهرهای نیمه شمالی و نیمه غربی کشور از لحاظ فرهنگی - اجتماعی و شهرهای نیمه شرقی و نیمه جنوبی کشور از لحاظ اقتصادی وضعیت بهتری دارند. کیفیت زندگی در شهرهای واقع در فاصله ۱۰۰ تا ۴۰۰ متر از سطح دریا در تمامی بخش‌ها نسبتاً مناسب می‌باشد. همچنین شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری از نظر فرهنگی و اجتماعی و شهرهای بیش از یک میلیون نفری، از لحاظ اقتصادی وضعیت بهتری نسبت به سایر شهرها دارند.

جدول شماره ۱. برخی مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در زمینه موضوع پژوهش

محققان و سال	قلمرو پژوهش	ابعاد و شاخص‌ها	متغیرهای موردبررسی
لی و ونگ (۲۰۰۷)	شهر ایندیانا پلیس	شاخص‌های عینی	درصد فارغ‌التحصیلان، نسبت بی‌سواد، جمعیت، تراکم مسکونی، پوشش گیاهی، جریان ترافیک و...
سازمان ملل متحد (۱۹۹۴)	--	شاخص‌های عینی	نسبت بی‌سواد، میانگین قدرت خرید
اسپینی و همکاران (۲۰۰۹)	---	شاخص‌های عینی	حمل‌ونقل (جریان ترافیک، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی)
داس (۲۰۰۸)	---	شاخص‌های عینی	دسترسی به تسهیلات شهری (آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت)
قالیباف و همکاران (۱۳۹۰)	محله یافت‌آباد شهر تهران	شاخص‌های عینی و ذهنی	حمل‌ونقل (توانایی ارتباطات، جریان ترافیک)، کیفیت محیطی اقتصادی (هزینه‌های زندگی و رضایت از آن، رضایت از فرصت‌های شغلی ایجادشده)، کیفیت محیطی اجتماعی (نرخ خدمات آموزش و سلامت، امنیت)، کیفیت محیطی فیزیکی (تنوع مسکن، نواحی سبز، زیرساخت‌ها و خدمات)
فرجی سبک‌بار و همکاران (۱۳۹۰)	استان خوزستان	شاخص‌های عینی	اجتماعی - فرهنگی (دسترسی به امکانات آموزشی، درمانی، خدماتی، رفاهی، خدمات زیربنایی، اشتغال، سواد و...)
پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)	شهر بابلسر	شاخص‌های عینی	نرخ اشتغال، درصد باسوادان، میانگین مدت اقامت، متوسط قیمت زمین، تراکم مسکونی، میانگین هزینه خانوار، میانگین اجاره‌بها
اجزا شکوهی و همکاران (۱۳۹۲)	شهر مشهد	عینی و ذهنی	اقتصادی (اشتغال، بار تکفل، میزان رهن و اجاره و...)، اجتماعی (آموزش و سطح سواد، فضای قابل سکونت، رضایت‌مندی از زندگی و...)، کالبدی (کیفیت بنا، پروانه ساختمان، نوع مصالح، وضعیت مالکیت، وضعیت نمای بیرونی و...)
مرصوصی و لاجوردی (۱۳۹۳)	ایران	شاخص‌های عینی	شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی (آموزش، بهداشت و درمان و...)، شاخص‌های جمعیتی - اقتصادی (اشتغال، درآمد، بار تکفل و...) و شاخص‌های زیربنایی (دسترسی به برق، تلفن، آب، گاز و...)

بیش‌تر مطالعات انجام‌شده شاخص‌های عینی کیفیت زندگی به‌ویژه در شهر بزرگ را موردتوجه قرار داده‌اند؛ اما آنچه این

پژوهش را از تحقیقات گذشته متمایز می‌کند این است که شاخص‌های ذهنی- ادراکی کیفیت زندگی را که منعکس‌کننده اصلی برخورداری از کمیت‌های کیفیت زندگی است در چارچوبی جامع و از آن مهم‌تر در یک شهر کوچک واقع شده در منطقه‌ای حاشیه‌ای و محروم مورد پردازش و ارزیابی قرار می‌دهد. این پژوهش در این منطقه در نوع خود تازگی دارد.

مبانی نظری

در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در رابطه با شاخص‌های بهبود کیفیت زندگی در فضاهای جغرافیایی صورت گرفته است. یکی از جنبه‌های این مطالعات توجه به تعامل انسان- محیط است که در این رویکرد سنجش میزان رضایت مردم از محیط زندگی‌شان اهمیت می‌یابد (Hourihan, 1984:370). البته سنجش رضایت نه فقط بر اساس محیط عینی، بلکه بر پایه ادراک افراد از محیطی که به آن تعلق دارند، صورت می‌پذیرد (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۲۴۰) که امروزه این عمل به وسیله پرسش از پاسخ‌گویان ارزیابی می‌گردد (Hourihan, 1984:375). اولین مدل نظری درباره رضایت از محل سکونت، توسط مارنا و راجرز (۱۹۷۵) بیان شده است. آن‌ها رضایت از محیط سکونت را منوط به درک و ارزیابی شخص از ویژگی‌های محیط زندگی دانسته‌اند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۲۳۵). بنابراین، میزان رضایتمندی انسان‌ها از محیط‌زیست خود نشان‌گر میزان تحقق اهداف برنامه‌های تدوین‌یافته جهت بهبود وضعیت زندگی است. همچنین رضایت و نارضایتی از محیط، میزان مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را نیز متجلی می‌سازد (شایان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۶). سازمان بهداشت جهانی آن را «درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان است» دانسته است (نجات، ۱۳۸۷: ۲). برخی نیز آن را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان سنجش برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و... تفسیر کرده‌اند (Epley & Menon, 2007:281). اندرز و ویتی^۲ (۱۹۷۶)، سطح رضایت از زندگی خانوادگی، شغل، درآمد، رضایت از عملکرد دولت در کل و رضایت از خدمات موجود را از جمله عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ذهنی قلمداد کرده‌اند (خوراسگانی و کیان پور، ۱۳۸۵: ۷۲). داینر از احساس رضایت از زندگی در اجتماع به‌عنوان عاملی مؤثر در ارتقای کیفیت زندگی ذهنی یاد کرده است (Diener, 2000:37). ماسام (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که «کیفیت زندگی» از یک سو می‌تواند به‌عنوان یک معیار یا علت جذابیت یک وضعیت و از سوی دیگر به‌عنوان دستاورد شرايطی که انتظارات و خواسته‌های افراد در آن تحقق می‌یابد، در نظر گرفته شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۴۱). آرگیل کیفیت زندگی را با مفهوم تکوینی و سلامت فرد می‌سنجد؛ یعنی سلامت فرد به خوشحالی، رضایت از زندگی، نبود بیکاری و فقدان ناهنجاری‌ها بستگی دارد (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۹). فو (۲۰۰۰) کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی خود قلمداد می‌کند. داس (۲۰۰۸) کیفیت زندگی را به‌عنوان بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آن‌ها در نظر گرفته است. کوستانز و همکاران در سال ۲۰۰۷ کیفیت زندگی را به‌عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهزیستی ذهنی تعریف می‌کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۳). افزون بر این تحقیقات بی‌شماری بر مقوله «رضایت» به‌عنوان مفیدترین شاخص سنجش کیفیت زندگی ذهنی تأکید می‌کنند (Schneider, 1976:300). فرانس (۱۹۹۶) به لحاظ مفهومی در این زمینه شش حوزه ۱- زندگی عادی ۲- مطلوبیت اجتماعی ۳- شادکامی ۴- رضایت از زندگی ۵- دستیابی به اهداف شخصی و ۶- استعدادهای ذاتی؛ را شناسایی و دسته‌بندی کرده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۴۴). همچنین در رابطه با شاخص‌های عینی و ذهنی «لی» معتقد است که کیفیت زندگی باید ذهنی باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از

1 . World Health Organization

2 . Anders & vity

زندگی آن‌هاست (Lee, 2008: 1208). او بر این باور است که شاخص‌های ذهنی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح‌تر است؛ زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند. در رابطه با شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی، روان‌شناسان نیز معتقدند که اولین عامل تعیین‌کننده در مطالعه کیفیت زندگی، بررسی نگرش فرد نسبت به زندگی است. بسیاری از نظریه‌پردازان بر میزان احساس بهزیستی فرد در زندگی‌اش به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در نگرش فرد به زندگی تأکید کرده‌اند. از طرفی براون (۱۹۹۳) مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در اجتماع را عوامل اقتصادی (درآمد کافی و شغل ایده آل) می‌داند (خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۵: ۸۳). اصولاً اندازه‌گیری شاخص‌های ذهنی بر اساس پاسخ‌های روانی مانند رضایت شغلی صورت می‌گیرد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۶). با توجه به موارد فوق رضایت‌مندی از کیفیت زندگی به عوامل زیادی وابسته است. در مقیاس شهرهای دورافتاده و مناطق محروم، کاهش اشتغال و درآمد، فاصله زیاد از مرکز بزرگ شهری و انزوای جغرافیایی آن‌ها، شبکه حمل‌ونقل نامناسب و ناکارآمد، عدم دسترسی مناسب و کافی به خدمات مطلوب شهری اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی ذهنی را پیچیده‌تر می‌کند (Bullock, 2004: 22).

روش پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است. شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی پس از مرور پیشینه و مبانی نظری و مطالعات اولیه محدود مورد مطالعه، استخراج (جدول ۲) و سپس ابزار تحقیق طراحی و تدوین شد. جامعه آماری تحقیق کلیه خانوارهای ساکن در شهر کنارک هستند که طبق آمار ۱۳۹۰ حدود ۷۹۷۵ خانوار بوده است. نمونه آماری با استفاده از روش کوکران محاسبه شد و تعداد ۳۱۰ نفر سرپرست خانوار شهر کنارک می‌باشند. اطلاعات و داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته و به روش تصادفی ساده گردآوری گردید. روایی ابزار پژوهش (پرسشنامه) توسط افراد متخصص در موضوع مورد نظر، بررسی و مورد تأیید واقع شد و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ با ۳۰ نمونه اولیه و با ضریب ۰/۸۹۸ مورد پذیرش قرار گرفت. اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده به روش‌های آماری (آزمون T تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس و همبستگی پیرسون) در محیط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

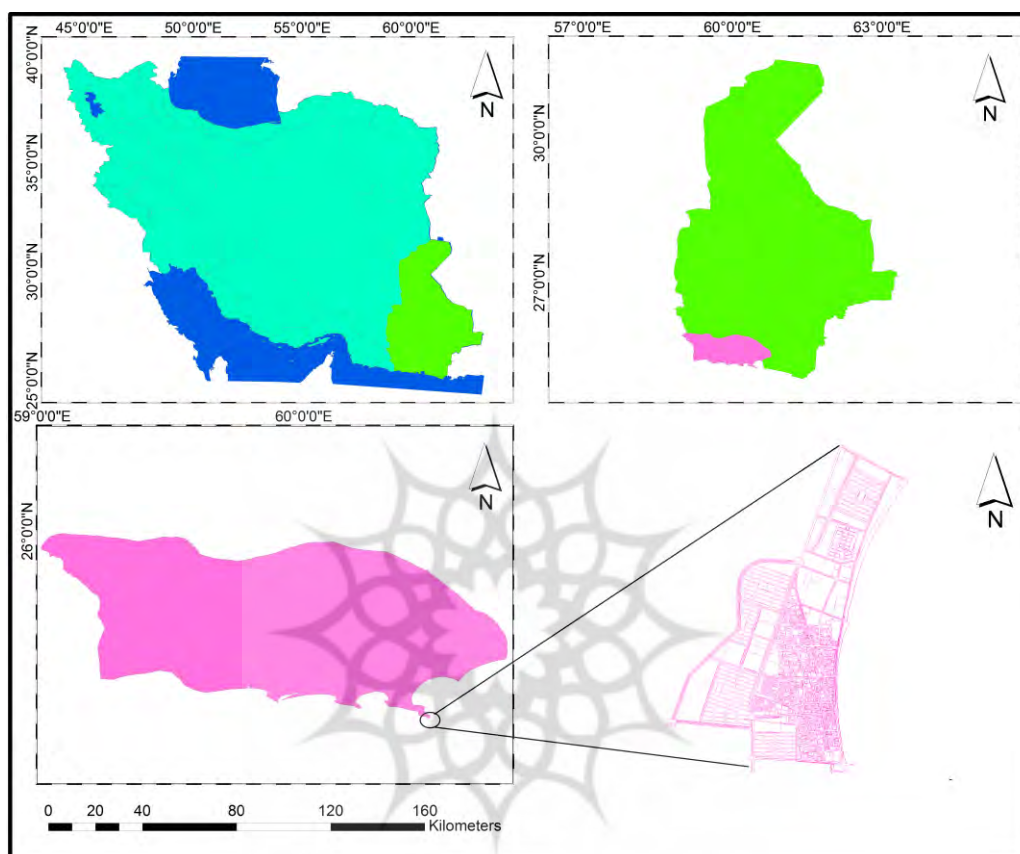
جدول شماره ۲. شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی کیفیت زندگی ذهنی

نوع متغیر	ابعاد	شاخص‌ها و معرف‌ها
وابسته	اقتصادی	میزان درآمد، رضایت از درآمد، رضایت شغلی، تنوع فرصت‌های شغلی، رضایت از دارایی و ثروت، احساس محرومیت، رضایت از مالکیت کالاهای بادوام، رضایت از دسترسی به بازارها و مراکز خرید.
	اجتماعی	رضایت از میزان و کیفیت دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی، آموزشی، بهداشتی درمانی و تفریحی- ورزشی، آگاهی عمومی، مشارکت، اعتماد، رضایت از امنیت، کیفیت تغذیه، سلامت جسمی و روانی، حس تعلق مکانی، تمایل به مهاجرت.
	کالبدی- محیطی	رضایت از مسکن، فضای سبز، کیفیت معابر و کوچه‌ها، کیفیت اقلیم، دفع زباله‌ها و فاضلاب، دفع آب‌های سطحی، آلودگی منابع آب‌و خاک و هوا، مخاطرات محیطی.
مستقل		عوامل جمعیت شناختی و فرهنگی (تحصیلات و وضعیت شغلی سرپرست خانوار، میزان تقدیرگرایی: اعتقاد به سرنوشت مختوم، باور به عدم توانایی انسان در تغییر سرنوشت، اعتقاد به تأثیر شانس در کسب موفقیت‌های زندگی) پایگاه اقتصادی خانوار (نوع مالکیت مسکن، مالکیت زمین و کالاهای بادوام مانند اتومبیل، یخچال، جاروبرقی، لباسشویی و...)

محدوده مورد مطالعه

شهرستان کنارک با مساحتی بالغ بر ۱۱۵۶۷ کیلومتر و به مرکزیت شهر کنارک می‌باشد که در عرض جغرافیایی ۲۵ درجه

و ۲۱ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان نیک شهر، از جنوب به دریای عمان، از شرق به شهرستان چابهار از غرب به استان هرمزگان منتهی می‌گردد. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ کل جمعیت آن ۸۲۰۰۱ نفر است که از این میزان ۱۹۲۴۷ نفر مرد و ۱۶۳۸۳ نفر زن می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل شماره ۱. موقعیت سیاسی و جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

بحث و یافته‌ها

در پژوهش حاضر از میان کلیه پاسخ‌گویان ۱۲/۷ درصد زن و ۸۶/۲ درصد مرد می‌باشند. به لحاظ سنی ۳۶/۷ درصد بین ۱۸ تا ۳۰ سال، ۳۸/۲ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۲۵ درصد بالای ۴۰ سال سن دارند. از نظر میزان تحصیلات ۱۵/۹ درصد بی‌سواد، ۳۳/۶ درصد زیر دیپلم، ۲۰/۵ درصد دیپلم، ۳۰ درصد فوق دیپلم و بالاتر هستند. از لحاظ وضعیت شغلی نیز ۱۵/۷ درصد دارای مشاغل پیشه‌وری، ۱۰/۲ درصد خانه‌دار، ۱۴/۱ درصد کارگر، ۱۲/۷ درصد کارمند، ۲۸/۶ درصد دارای شغل آزاد و ۱۸/۴ درصد بیکار می‌باشند. از لحاظ میزان درآمد بیش‌تر جامعه نمونه (۵۵/۸ درصد) درآمد خود را کمتر از ۴۰۰ هزار تومان و تنها ۸/۱ درصد درآمد بیش‌تر از ۹۰۰ هزار تومان اظهار کردند. از نظر مالکیت مسکن بیشتر جامعه نمونه (۴۱/۳ درصد) مالکیت مسکن خود را شخصی دارای عرصه و اعیان اظهار نموده‌اند (جدول ۳).

جدول شماره ۳. ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی جامعه نمونه (درصد)

جنسیت	مرد		زن	
	۸۶/۲	۱۲/۷	۱۸ تا ۳۰ سال	۳۱ تا ۴۰ سال
سن	۳۶/۷	۳۸/۲	۱۹/۶	بیشتر از ۵۵ سال
تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم
نوع شغل	کشاورزی	پیشه‌وری	خانه‌داری	کارگری
درآمد ماهیانه (هزار تومان)	کمتر از ۴۰۰	۴۰۰ تا ۶۰۰	۶۰۰ تا ۹۰۰	بیشتر از ۹۰۰
مالکیت مسکن	اجاره‌ای	شخصی (عرصه و اعیان)	شخصی (اعیان)	در برابر خدمت رایگان

در پاسخ به سؤال اول پژوهش (کیفیت زندگی خانوارهای شهری در شهر کنارک در چه سطحی قرار دارد؟)، از آزمون t تک گروهی استفاده شد. طبق یافته‌های حاصل از تحلیل این آزمون، معناداری تفاوت کیفیت زندگی ذهنی هم به‌طور کلی و هم در تک‌تک ابعاد (اقتصادی، اجتماعی و محیطی - کالبدی) تأیید گردید، به‌طوری‌که اختلاف میانگین و کران‌های بالا و پایین همگی منفی هستند. از این رو با توجه موارد مذکور و میانگین جامعه، کیفیت زندگی ذهنی مردم در شهر کنارک پایین‌تر از حد متوسط و ضعیف می‌باشد (جدول ۴).

جدول شماره ۴. بررسی رابطه کیفیت زندگی ذهنی با معیشت خانوار (آزمون T تک گروهی)

شاخص‌ها	Test value = 3			
	میانگین جامعه	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
اقتصادی	۲/۸۲	-۴/۲۸	۳۰۹	۰/۰۰۰
اجتماعی	۲/۸	-۵/۲۲	۳۰۹	۰/۰۰۰
کالبدی محیطی	۲/۹۱	-۲/۰۹	۳۰۹	۰/۰۳۲
کیفیت زندگی	۲/۸۵	-۵/۵۲	۳۰۹	۰/۰۰۰

از علل اصلی ضعیف بودن کیفیت زندگی ذهنی در شهر کنارک این است که این شهر علی‌رغم قرارگیری در یک موقعیت استراتژیک و مسیر تجارت بین‌المللی با مسائلی همچون ضعف اساسی منابع درآمدی، عدم دسترسی مناسب بومیان به فرصت‌های مطلوب و متنوع شغلی، فقدان دسترسی به خدمات شهری مطلوب و فقدان مراکز بازاری و مراکز خرید مجهز و کافی در شهر مواجه است. این امر سبب شده که شهروندان احساس محرومیت مادی و اجتماعی فراینده‌ای در زندگی خود داشته باشند و این موضوع که نوعی نارضایتی از زندگی در اجتماع شهری است خود تبعات و آثاری منفی متعددی در پی دارد. در بعد اجتماعی - فرهنگی ضعف زیرساخت‌های آموزشی (ضعف در کمیت و کیفیت مدارس، معلم، تجهیزات آزمایشگاهی و...)، زیرساخت‌های بهداشتی درمانی (ضعف خدمات درمانی و پزشکی از جمله بیمارستان، داروخانه، داروهای بیماری‌های خاص و...)، زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی (عدم دسترسی مناسب به اینترنت، مجلات، روزنامه و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای)، ضعف در کمیت و کیفیت امکانات و خدمات تفریحی -

ورزشی (پارک، سوله ورزشی، زمین فوتبال و...)، ضعف در نحوه دسترسی به پلیس و مراکز انتظامی، تنوع پایین غذایی ناشی از ضعف مالی یا کم آگاهی، فشارهای روحی و روانی ناشی از مشکلات اقتصادی و مالی و غیره از جمله دلایل پایین بودن کیفیت زندگی ذهنی در این شهر هستند. این مسائل به نوبه خود مواردی از قبیل کاهش حس تعلق مکانی و افزایش تمایل به مهاجرت به شهرها و مناطق دیگر و... را در پی دارد. در بعد کالبدی- محیطی نیز استحکام پایین مسکن در برابر خطرات طبیعی و تجهیزات کم مسکن، کمبود فضای سبز در شهر، کیفیت پایین ساخت و عرض کم معابر، ضعف در دفع زباله‌ها و فاضلاب شهر، عدم آمادگی کافی مردم در مواجهه با مخاطرات محیطی و آسیب‌پذیری بالای آن‌ها (هم به لحاظ مالی و هم از نظر مهارت، دانش و آگاهی) بیانگر نارضایتی خانوارهای شهری از کیفیت زندگی و ضعف آن می‌باشد.

به منظور بررسی رابطه کیفیت زندگی ذهنی و ویژگی‌های جمعیت شناختی (تحصیلات و وضعیت شغلی سرپرست خانوار)، یافته‌های حاصل از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری وجود دارد. البته این معناداری به طور کلی روند صعودی یا نزولی مشخصی را نشان نداد، اما از تحصیلات فوق دیپلم به بالا، با افزایش میزان تحصیلات کیفیت زندگی ذهنی نیز افزایش یافته است. دلیل این امر به شاغل بودن افراد دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر از آن در امور دولتی و برخورداری آن‌ها از درآمد ثابت ماهیانه بازمی‌گردد. در واقع میزان تحصیلات بر کیفیت زندگی تأثیرگذار بوده و تأثیر غالب آن را می‌توان به نقش درآمدی و مالی تحصیلات بر کیفیت زندگی منتسب کرد. نیز یافته‌ها نشان داد که وضعیت شغلی سرپرستان خانوار شهری نیز با کیفیت زندگی ذهنی ارتباط معناداری داشته و بر آن تأثیرگذار است. به طوری که افراد برحسب نوع شغل خود احساس رضایت متفاوتی از کیفیت زندگی خود در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی- محیطی دارند. در این رابطه کسانی که به مشاغل آزاد اشتغال داشته‌اند دارای بیشترین رضایت‌مندی و کسانی که مشاغل پیشه‌وری (مغازهداری، رانندگی و...) اشتغال داشته‌اند، دارای کمترین رضایت‌مندی از کیفیت زندگی خانواده خود هستند (جدول ۵).

جدول شماره ۵. تحلیل واریانس کیفیت زندگی ذهنی با میزان تحصیلات و شغل سرپرست خانوار

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	متوسط مجموع مجزورات	F مقدار آزمون	سطح معناداری
تحصیلات	بین گروهی	۳/۸۲۳	۶	۰/۶۳۷	۳/۰۲۴	۰/۰۰۷
	میان گروهی	۶۳/۸۵	۳۰۳	۰/۲۱۱		
	جمع	۶۷/۶۸	۳۰۹			
وضعیت شغلی	بین گروهی	۲/۷۱۳	۵	۰/۵۴۳	۲/۵۳۹	۰/۰۲
	میان گروهی	۶۴/۹۷	۳۰۴	۰/۲۱۴		
	جمع	۶۷/۶۸	۳۰۹			

هم‌چنین به منظور بررسی رابطه کیفیت زندگی شهری با ویژگی‌های فرهنگی (میزان تقدیرگرایی) از همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌های به دست آمده نشان داد که بین میزان کیفیت زندگی ذهنی و میزان تقدیرگرایی سرپرستان خانوار در شهر کنارک ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین مفهوم که با افزایش میزان تقدیرگرایی، میزان رضایت از کیفیت زندگی نیز بیش تر شده است و بالعکس. جهت تبیین این موضوع می‌توان گفت که در این شهر افراد دارای زندگی بهتر، بهبود یافتن و مطلوب‌تر شدن زندگی خود را ناشی از شانس و تقدیر و قسمت می‌دانند نه تدبیر و تلاش بیش تر. در این میان خانوارهای کم‌توان‌تر (دارای کیفیت زندگی ضعیف‌تر) شانس، قسمت و تقدیر را جهت پیشرفت و کسب موفقیت‌های زندگی کم‌تر با خودپار دانسته‌اند. از این رو است که خانوارهای متمکن‌تر بیش تر تقدیرگرا بوده و عامل غالب پیشرفت

نسبی خود را ناشی از شانس و قسمت قلمداد می‌کنند. به عبارتی دیگر افراد دارای رضایت کم‌تر از کیفیت زندگی علت اوضاع نامناسب کیفیت زندگی خود را به مواردی از قبیل شانس کمتر، قسمت و نصیب کم‌تر (که از قبل تعیین شده و ثابت است) و تقدیر خداوندی نسبت می‌دهند (جدول ۶).

جدول شماره ۶. همبستگی پیرسون بین میزان تقدیرگرایی و کیفیت زندگی ذهنی

شرح	تقدیرگرایی
ضریب همبستگی	۰/۳۹۴**
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ	۳۱۰

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) و همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌های تحلیل واریانس نشان داد که بین نوع مالکیت مسکن خانوار (ملکی یا شخصی، اجاره‌ای و سازمانی) و کیفیت زندگی ذهنی در شهر کنارک هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد؛ زیرا بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌گویان اظهار نمودند که دارای مسکن ملکی (شخصی) هستند. لذا کیفیت زندگی ذهنی خانوارهای بر اساس نوع مالکیت مسکن هیچ تفاوتی باهم ندارد (جدول ۷)؛ اما یافته‌های همبستگی پیرسون حاکی از آن است که بین متوسط مالکیت‌ها (مالکیت زمین و کالاهای بادوام) و کیفیت زندگی ذهنی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد (جدول ۸). بدین معنی که هر چه خانوارهای شهری از دارایی و کالاهای خانگی بیش‌تری برخوردار بوده‌اند، رضایت کم‌تری از کیفیت زندگی خود اظهار نموده‌اند. شاید این امر را بتوان به افزایش توقعات آن‌ها در زندگی شهری هم‌زمان با پیشرفت تکنولوژی و گسترش اطلاعات نسبت داد. همچنین می‌توان گفت افراد دارای توان مالی کم‌تر و نامتمکن‌تر قناعت بیش‌تری داشته و با دارایی کم احساس رضایت بیش‌تری از زندگی خواهند داشت. این موضوع در شهرهای کوچک و مناطق محروم بیش‌تر می‌تواند صدق کند و نمود داشته باشد.

جدول شماره ۷. تحلیل واریانس کیفیت زندگی ذهنی با نوع مالکیت مسکن خانوار

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	متوسط مجموع مجذورات	F مقدار آزمون	سطح معناداری
مالکیت	بین گروهی	۱/۰۴۵	۳	۰/۳۴۸	۱/۶	۰/۱۸۹
مسکن	میان گروهی	۶۶/۶۳	۳۰۶	۰/۲۱۸		
	جمع	۶۷/۶۸	۳۰۹			

جدول شماره ۸. همبستگی پیرسون بین متوسط مالکیت‌ها و کیفیت زندگی ذهنی

شرح	کیفیت زندگی ذهنی
متوسط مالکیت‌ها	۰/۱۸۹**
(مالکیت زمین و کالاهای بادوام)	۰/۰۰۱
سطح معناداری	۰/۰۰۱
تعداد پاسخ	۳۱۰

نتیجه‌گیری

نظر به اینکه امروز روند سریع توسعه فناوری و اطلاعات سبب پیچیده‌تر شدن زندگی شهری شده و مسائل و چالش‌های متعددی را بر پیکره جامعه و وضعیت زندگی مردم تحمیل کرده است؛ از این‌رو این امر به‌نوبه خود ذهن و ادراک شهروندان را با دغدغه‌ها، چالش‌ها، رضایت یا ناراضی‌هایی مختلفی مواجه ساخته است. برخی شاخصه‌های فرهنگی همچون تقدیرگرایی در مناطق محروم و حاشیه‌ای که با فقر و محرومیت بیشتری مواجه‌اند مزید بر علت شده است.

از این روی پژوهش حاضر باهدف سنجش کیفیت زندگی ذهنی و برخی عوامل فردی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در شهر کنارک انجام شد. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که در این شهر، کیفیت زندگی ذهنی در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی- محیطی پایین تر از حد متوسط و ضعیف است. این نتایج با نتایج تحقیقات رهنمایی و همکاران (۱۳۹۰)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱) و مرصوصی و لاجوردی (۱۳۹۳) تا حد زیادی همسو است. از آنجاکه ادراک و میزان رضایت مندی نمایانگر میزان تحقق برنامه‌های توسعه و میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری است، اینک نتایج این تحقیق بیانگر ضعف برنامه‌های توسعه شهری در شهر کنارک و فقدان دسترسی مناسب شهروندان به خدمات مطلوب شهری و به‌طور کلی نشانگر ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- محیطی شهر است. از این رو، این شرایط مستلزم چاره‌جویی در جهت بهبود زیرساخت‌ها و دسترسی مطلوب‌تر شهروندان به استانداردهای خدمات شهری مبتنی بر خواسته‌ها، نیازها مردم و شرایط محلی است. علاوه بر این یافته‌های تحقیق رابطه معناداری بین کیفیت زندگی ذهنی و سایر شاخص‌ها (میزان تحصیلات و وضعیت شغلی سرپرست خانوار، میزان تقدیرگرایی) و نیز متوسط مالکیت زمین و کالاهای بادوام را نشان داد. این بدان معناست که سطح کیفیت زندگی خانوارهای شهری تحت تأثیر میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، نوع شغل، میزان باورهای تقدیرگرایانه و نیز میزان متوسط مالکیت زمین‌های مسکونی و کالاهای بادوام مثل وسایل نقلیه، لوازم برقی خانگی و... قرار دارد. خود این عوامل به عامل درآمد و دسترسی به فرصت‌های درآمدی مناسب وابسته هستند. از آنجایی که معیشت غالب شهروندان کنارک بر مشاغل بازاری و خدماتی و نیز مشاغل آزاد متکی است و چون مشاغل بازاری اعم از پیشه‌وری، صید و صیادی و کارگری در چارچوب نظام سستی و غیرحرفه‌ای اداره می‌شود، برای شاغلین این دست مشاغل چندان سودآور نیست و نمی‌تواند تأمین‌کننده مناسبی برای شاخص‌های کیفیت زندگی شهری باشد. این نتایج با نتایج تحقیق اجزا شکوهی و دیگران (۱۳۹۲) انطباق دارد. این امر نیز مستلزم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ارتباطی، آموزش‌های برتر در حوزه صید و صیادی، صنعت (به‌ویژه صنایع شیلات) و به‌طور کلی در زمینه ایجاد فرصت‌های متنوع شغلی می‌باشد. به‌طور کلی نتایج این پژوهش بیانگر ضعف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی در شهر کنارک است و ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه شهر را در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و جلب رضایت آن‌ها در جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با توجه به نتایج حاصل شده جهت ارتقای کیفیت زندگی شهری در شهر کنارک انجام اقدامات زیر ضروری است:

- ❖ توسعه و تجهیز اقتصاد دریا با اولویت‌بخشی به افزایش اشتغال بومی و محلی (توسعه صید و صیادی پیشرفته توأم با صنایع و کارگاه‌های مکمل فرآوری، تبدیلی و بسته‌بندی)؛
- ❖ بازاریابی و بازار رسانی محصولات صید و صیادی و حمایت از صیادان و نیز تنظیم بازار توسط دولت و تعاونی‌ها به‌منظور جلوگیری از واسطه‌گری و دلالی؛
- ❖ توسعه و تجهیز زیرساخت‌های صید و صیادی (لنج‌ها، قایق‌ها)، تأمین امنیت صیادان و نیز ارائه تسهیلات مناسب در جهت راه‌اندازی صنایع مکمل صید و صیادی در شهر کنارک؛
- ❖ توسعه و تقویت زیرساخت‌ها، خدمات و تسهیلات گردشگری شهری به‌منظور جذب گردشگر و به‌تبع آن توسعه اقتصاد شهری در حوزه خدمات (هتلداری، رستوران‌داری و...؛ زیرا شهر کنارک با استقرار در یک موقعیت بندری و زیبای ساحلی از قابلیت‌ها و فرصت‌های گردشگری فراوانی برخوردار است.
- ❖ توسعه ضریب نفوذ رسانه‌های گروهی و مطبوعاتی و اینترنت در شهر کنارک و نیز ارائه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی آگاهی‌بخش به‌منظور کاهش تقدیرگرایی و بهبود تدبیر گرایی؛
- ❖ توسعه و تجهیز زیرساخت‌های آموزشی به‌ویژه در مقاطع متوسطه و فنی و حرفه‌ای با تأکید خاص بر توزیع فضایی

مناسب این زیرساخت‌ها؛

- ❖ افزایش ضریب دسترسی به خدمات درمانی و پزشکی سطح بالا (بیمارستان و کلینیک‌های تخصصی) در شهر کنارک و افزایش رضایتمندی شهروندان؛
- ❖ توسعه و تجهیز معابر اصلی و فرعی شهر به‌ویژه کوچه‌های حاشیه شهر و افزایش دسترسی مطلوب شهروندان به مراکز خرید و سایر مراکز رفاهی و تفریحی؛
- ❖ ایجاد و توسعه مراکز خرید و بازارهای تجاری که کالاهای موردنیاز شهروندان را باقیمت مناسب ارائه کنند و زمینه‌ای برای جذب گردشگران دیگر مناطق فراهم نمایند؛ زیرا استقرار شهر کنارک و نزدیکی آن به کشورهای حوزه خلیج فارس، هند، پاکستان و آسیای میانه و دسترسی به راه‌آبی جهانی - که هزینه حمل‌ونقل آن از سایر شبکه‌های حمل‌ونقل ارزان‌تر است - بهترین موقعیت تجاری را برای این شهر و جذب گردشگر فراهم نموده است.
- ❖ توسعه فضای سبز و مراکز تفریحی و ورزشی شهری با تأکید بر توزیع فضایی مناسب و عادلانه این کاربری‌ها؛
- ❖ تأکید ویژه بر ساماندهی فاضلاب و پساب‌های شهر کنارک به‌ویژه در ناحیه ساحلی شهر؛
- ❖ ساماندهی گردشگری دریا با تأکید بر تورهای گردشگری دریایی با اولویت‌بخشی به اشتغال بومیان شهر کنارک.

منابع

- (۱) اجزا شکوهی، محمد؛ شیرازی، علی؛ حدادمقدم، زهره (۱۳۹۲) بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت زندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی پنج‌تن آل عبا (التیمور مشهد)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص. ۷۹-۵۹.
- (۲) ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۶) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی؛ مطالعه موردی: شهر اصفهان، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، سال ۱۵، شماره ۵۹-۵۸، صص. ۱۰۸-۶۷.
- (۳) پوراحمد، احمد؛ فرجی‌ملایی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ صدیقه لطفی (۱۳۹۱) تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، زمستان ۱۳۹۱، دوره ۴۴، شماره ۴، صص. ۴۴-۲۱.
- (۴) راستی، هادی و جهان تیغ، راضیه (۱۳۹۳) سنجش میزان رفاه اجتماعی خانوارها در نواحی روستایی شهرستان زهک، پژوهش‌های روستایی، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۴، صص. ۷۷۸-۷۵۹.
- (۵) رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۷) سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳۸۷، دوره ۱۱، شماره ۳، صص. ۲۶-۱.
- (۶) رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی‌اکبر؛ منصوریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین (۱۳۸۹) توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، پاییز ۱۳۸۹، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۱۰-۸۷.
- (۷) رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا (۱۳۸۸) بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاها عمومی شهری، فصلنامه راهبرد، زمستان ۱۳۸۸، دوره ۱۸، شماره ۵۳، صص. ۲۴۸-۲۲۷.
- (۸) رهنمایی، محمدتقی؛ منوچهری میان‌دوآب، ایوب؛ فرجی‌ملایی، امین (۱۳۹۰) تحلیل کیفیت زندگی در بافت فرسوده میان‌دوآب، فصلنامه مدیریت شهری، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره ۹، شماره ۲۸، صص. ۲۴۰-۲۲۸.
- (۹) شایان، حمید؛ علی‌اکبر، تقی‌لو؛ خسرو بیگی، رضا (۱۳۸۹) ارزیابی میزان رضایتمندی روستاییان از محیط سکونتگاهی: مورد شهرستان کمیجان، فصلنامه روستا و توسعه، بهار ۱۳۸۹، دوره ۱۳، شماره ۱، صص. ۱۷۹-۱۵۵.
- (۱۰) شیخ بیگلو، رعنا؛ تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۱) تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص. ۲۱۴-۱۸۹.
- (۱۱) ضرابی، اصغر و شیخ بیگلو، رعنا (۱۳۹۰) سطح‌بندی شاخص‌های توسعه سلامت استان‌های ایران، فصلنامه رفاه

- اجتماعی، ۱۳۹۰، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صص. ۱۲۸-۱۰۷.
- ۱۲) طراز کار، محمدحسن و زیبایی، منصور (۱۳۸۳) معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری (مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان)، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، زمستان ۱۳۸۳، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص. ۱۶۴-۱۳۷.
- ۱۳) غفاری، غلامرضا و اونق، ناز محمد (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مورد: شهر گنبدکاووس)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، بهار ۱۳۸۵، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۱۹۹-۱۵۹.
- ۱۴) غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۷) کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، سال ۸، شماره ۳۰-۳۱، صص. ۳۳-۹.
- ۱۵) فرجی سبکبار، حسنعلی؛ باغیانی، حمیدرضا؛ نورایی، حمیده (۱۳۹۰) نقش گردشگری جنگ در ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهری مناطق جنگی استان خوزستان با استفاده از مدل TOPSIS، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، پاییز ۱۳۹۰، سال ۱، شماره ۲، صص. ۹۴-۸۳.
- ۱۶) قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، تابستان ۱۳۸۷، دوره ۱۱، شماره ۲، صص. ۲۰-۱.
- ۱۷) قالیباف، محمدباقر؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی (۱۳۸۸) سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی: مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه، فصلنامه روستا و توسعه، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۱۲، شماره ۳، صص. ۱۸۴-۱۶۳.
- ۱۸) قالیباف، محمدباقر؛ روستایی، مجتبی؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی؛ طاهری، محمدرضا (۱۳۹۰) ارزیابی کیفیت زندگی در محله یافت‌آباد، مجله جغرافیا (انجمن جغرافیای ایران)، زمستان ۱۳۹۰، دوره ۹، شماره ۳۱، صص. ۵۳-۳۳.
- ۱۹) قربانی، رسول و تیموری، راضیه (۱۳۸۹) تحلیلی بر نقش پارک‌های شهری در ارتقای کیفیت زندگی شهری با استفاده از الگوی Seeking-Escaping، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۴۲، شماره ۷۲، صص. ۶۲-۴۷.
- ۲۰) لطفی، صدیقه (۱۳۸۸) مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۴، صص. ۸۰-۶۵.
- ۲۱) ماجدی، سید مسعود و لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵) بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، زمستان ۱۳۸۵، دوره ۹، شماره ۴، صص. ۹۱-۱۳۵.
- ۲۲) زیاری، کرامت‌الله؛ اسدی، روح‌الله؛ صادقی، مجتبی (۱۳۹۲) تحلیل، مدل‌سازی و پیش‌بینی نقش اشتغال در مهاجرت‌های منطقه‌ای نمونه: استان سیستان و بلوچستان، مجله فضای جغرافیایی، زمستان ۱۳۹۲، سال ۱۳، شماره ۴۴، صص. ۱۸-۱.
- ۲۳) ابراهیم‌زاده، عیسی و رییس‌پور، کوهزاد (۱۳۹۰) بررسی روند تغییرات درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از تاکسونومی عددی طی دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز ۱۳۹۰، دوره ۹، شماره ۲۴، صص. ۷۶-۵۱.
- ۲۴) قائد رحمتی، صفر؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ محمدی فر، علی (۱۳۸۹) تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، مجله آمایش محیط، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۹، صص. ۱۱۳-۹۷.
- ۲۵) مولایی، محمد (۱۳۸۶) مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، فصلنامه رفاه اجتماعی، بهار ۱۳۸۶، دوره ۶، شماره ۲۴، صص. ۲۵۸-۲۴۱.
- ۲۶) مرصوصی، نفیسه و لاجوردی، علیرضا (۱۳۹۳) مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی شهری در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، بهار ۱۳۹۳، دوره ۱۴، شماره ۲، صص. ۹۵-۶۹.
- ۲۷) مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- ۲۸) نوغانی، محسن؛ اصغر پور ماسوله، احمدرضا؛ شیما، صفا؛ کرمانی، مهدی (۱۳۸۸) کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با

سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۸۸، سال ۵، شماره ۱، صص. ۱۴۰-۱۱۱.

- 29) Bullock, Susie JR. (2004) An Analysis of Technology Quality of Life in Rural West Texas Community, A Dissertation in Agricultural Education Submitted to the Graduate Faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Education.
- 30) Das, D. (2008) Urban Quality of Life: A case study of Guwahati, Journal Social Indicators Research, Vol.88, No.2, pp.297-310.
- 31) Diener, E. (2000) Subjective well-being, Journal American psychologists, Vol.55, No.1, pp.4- 34.
- 32) Epley, R. Donald. & Menon, Mohan. (2007) A Method of Assembling Crosssectional Indicators into a Community Quality of Life, Journal Social Indicators Research, Vol.88, No.2, pp.281-296.
- 33) Hourihan, Kevin. (1984) Context-Dependent Models of Residential Satisfaction An Analysis of Housing Groups in Cork, Ireland, Journal Environment and Behavior, Vol.16, No.3, pp.369-393.
- 34) Lee, Y. J. (2008) Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Environment, Vol.43, No.7, pp.1205-1215.
- 35) Li, G. & Weng, Q. (2007) Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data, International Journal of Remote Sensing, Vol.28, No.2, pp.249-267.
- 36) McCrea, Rod. & Shyy, Tung-Kai. & Stimson, Robert. (2006) What is the strength of the link between objective and subjective indicators of urban quality of life?, Applied Research in Quality of Life, Vol.1, No.1, pp.79-96.
- 37) Rahman, Tauhidur. & Mittelhamer, Ron. C. & Wandschaneder, Philip. (2003) Measuring the Quality of Life Across countries: A sensitivity Analysis of well-being indices, wider international conference on inequality, poverty and Human well-being, May 30-31, 2003, Helsinki, Finland.
- 38) Royuela, V. & Surinach, J. (2004) Constituents of quality of life and urban size, Social Indicators Research, Vol.74, No.3, pp.549-572.
- 39) Schneider, M. (1976) The quality of life and social indicators research, Public Administration Review, Vol.36, No.3, pp.1-297.
- 40) UNDP Human Development Report, (1994) Oxford University Press, New York.
- 41) Spinney, Jamie E.L. & Scott, Darren M. & Newbold, K. Bruce. (2009) Transport mobility benefits and quality of life: A time-use perspective of elderly Canadians, Journal Transport Policy, Vol.16, No.1, pp.1-11.
- 42) Das, D. (2008) Urban quality of life: A case study of Guwahati, Journal Social Indicators Research, Vol.88, No.2, pp.297-310.
- 43) Wish, Naomi Bailin. (1986) Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones, American Journal of Economics and Sociology, Vol.45, No.1, pp.93-99.